بسم الله الرحمن الرحيم

فقه اسلامی

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ○ وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ○ وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي ○ يَفْقَهُوا قَوْلِي ○
(قرآن کریم)
"ای زما پروردگاره ! زما سینه راپراخه کړه ! او زما امر (درسالت) راته آسان کړه ! او زما له ژبی څخه غوټه پرانیزه ! چې (خلک) زما په خبرو (ښه) وپوهیږي."

من يرد الله به خيرا يفقهه في الدين.
(حدیث شریف)
"کسی که خداوند به وی ارادۀ خیر فرماید او را در امور دین دانشمند می سازد"

شمارۀ دوصدو بیست ونهم	ذوالقعده1437	سپتمبر2016

مسائل فقهی

در مورد حج

1 ـ کسیکه خانه خریده و قسط می پردازد حج کرده می تواند ؟

2 ـ از پول کمکی که ماهانه شخص می گیرد حج کرده می تواند ؟

1 ـ فریضه حج رکن پنجم اسلام در نصوص قرآن کریم و احادیث قولی و فعلی رسول اکرم صلی الله علیه وسلم ثابت گردیده , خداوند (عز و جل) در آیه کریمه (97) سورۀ آل عمران میفرماید : { و لله علی الناس حج البیت من استطاع إلیه سبیلا * و حج خانه خدا بر مردم و کسانیکه توان رسیدن به آن را داشته باشند فرض الهی است }.

ازرسول الله صلی الله علیه وسلم مفهوم کلمۀ (سبیل) و مراد (استطاعت سبیل) پرسیده شد , فرمودند : (الزاد و الراحلة ـ زاد و راحله) کلمۀ راحله کنایه از مصارف رفت و آمد سفر (هوائی , بحری , زمینی) از محل اقامت حاج تا مکة مکرمه و بازگشت از آن , و کلمۀ زاد عبارت از تمام مصارف اقامت و کرایه منزل و انتقالات در خلال مدت مسافرت به منظور ادای حج است.

توانائی بزاد و راحله مشروط به آنست که قاصد حج تمام مصارف و احتیاجات اساسی فامیل خود را با مصارف ضروری مربوط به کار و بزنس و اسباب و لوازم زندگی خود و فامیلش تأمین نموده باشد و در مدت سفر تا عودت به منزل و آغاز دو بارۀ زندگی به هیچ مشکل اقتصادی مواجه نگردد , زاد و راحله بمنظور حج به هیچصورت احتیاجات اساسی و مصارف ضروری زندگانی فامیلی و کار و بزنس وی را اخلال نکند , بل این زاد و راحله باید علاوه بر تمام آن مصارف و احتیاجات باشد , و نیز زاد و راحله باید زائد بر دیون و قروضی باشد که قاصد حج مکلف به تادیۀ آنست , یعنی شخص مدیون تا وقتیکه دین ذمۀ خود را ادا نه نموده و یا دارائی کافی و آمادۀ تادیه در مقابل دین نداشته باشد حج بروی فرض نیست و زاد و راحله حج باید اضافه از احتیاجات اصلی و اضافه از دیون باشد .

چنانکه در باب حج دین مانع سفر می گردد , در باب زکات نیز وجود دین بر ذمۀ شخص مانع وجوب زکات میگردد , البته در مورد حج تأمین زاد و راحله بر علاوه احتیاجات اصلی و دیون شرط است , و در

حج /
رابطه با زکات دارائی شخص باید بر علاوه احتیاجات اصلی و دیون به نصاب زکات برسد و یکسال قمری کامل بر آن سپری گردد . شرح نصاب زکات در فقه اسلامی توضیح یافته و در دارائی نقدی به اساس ارزش طلات و نقره (دینار و درهم) محاسبه می شود , دینار و درهم در آغاز اسلام در قلمرو امپراطوری های روم و فارس مدار تعامل اقتصادی بود و در ساحۀ اسلامی نیز اعتبار داده می شد . نصاب زکات در طلا یا دینار مساوی بیست مثقال طلا و یا بیست دینار و در نقره مساوی دو صد درهم است(وزن یک دینار = 4,25 ضرب 20 = 85 گرام ـ وزن یک درهم = 2,97 گرام ضرب 200 = 595 گرام) .
زکات دارائی نقدی به همین معیار محاسبه میگردد و مقدار زکا ت 2,5 فیصد بعداز رسیدن به نصاب بر علاوۀ احتیاجات اصلی یکساله و ادای دیون می باشد , البته نصاب زکات در مواشی و حیوانات و تولیدات زراعتی فرق میکند و شرح آن در کتب فقهی مذاهب مختلفه اسلامی وجود دارد .
قرض و دین که د رحج و زکات هر دو مانع وجوب میگردد , دو نوع قرض و دین است , یکی معجل ودیگر مؤجل , نظر عمومی فقهاء در آنست که هر دو نوع قرض و دین مانع زکات و حج می باشد و تا وقتیکه شخص دین فوری یا مهلت دار خود را ادا نکرده باشد و لو در زکات بالاتر از نصاب و در حج بالاتر از زاد و راحله داشته باشد زکات و حج بروی فرض نیست.
اما برخی از فقهاء میان دین معجل و مؤجل فرق می گذارند و دین مؤجل را به قیاس مهر مؤجل در عقد نکاح مانع زکات نمیدانند (یکی از دو نظر امام شافعی , رحمة الله علیه , مذهب امام احمد بن حنبل , رحمة الله علیه , , المغنی , ابن قدامه جلد 3) .
به ارتباط حج امکان قیاس آن به زکات در عدم ممانعت وجوب حج به سبب دین مؤجل وجود دارد , و علاوه برآن در مذهب حنفی ذکر شده است که : شخص مدیون نباید بمنظور حج سفر کند مگر در صورتیکه دائن و یا کفیل دائن و یا هر دو بوی اجازۀ سفر بدهند و سفر او را خطر از بین رفتن دین ویا به ضرر دین ندانند , در آنصورت اجازه دارد که با وجود مدیون بودن به حج سفر کند و وجود دین با اجازه دائن مانع وجوب حج نمی شود (فتح القدیر , کتاب الحج جلد 2) .
اکنون در روشنی این بحث سؤال (کسیکه خانه خریده و قسط می پردازد , حج کرده می تواند ؟) قابل طرح است و میتوان پاسخ آنرا جستجو نمود :
خرید خانه به اقساط طولانی در حالیکه معامله با قرض گفته می شود و صاحب خانه مدیون است , اما این دین با دیون معجل و مؤجل در معاملات مدنی و تجارتی سابق فرق دارد , دائن در معاملات خرید منزل غالبا بانک است و بانک قبل از معاملۀ قرض امکانات تادیه اقساط را با کریدت خریدار خانه تحقیق می کند و ازین لحاظ مطمئن می شود , و نیز مدت اقساط چنین قرضه ها به سالهای متمادی تا حدود سی سال میرسد و عواقب تأخیر اقساط و یا عدم امکان تادیۀ اقساط نیز در قوانین و مقررات و قرار داد های مربوط تنظیم شده است . چنین معاملۀ قرض بیرون از چوکات مقررات و قرار داد هیچگاه مانع تصرفات حقوقی و آزادی مدنی شخص مدیون نمی شود و معقول نیست که مدیون در خلال سی سال سفر نکند و وجائب دینی و مدنی او کاملا وابسته به همین قرضه باشد .

شخص که خانه خریده و قسط می پردازد به ارتباط زکات , اقساط یکسالۀ این قرضه ضم احتیاجات و ضرورت های اساسي سالانۀ او شده و مقدار نصاب زکات بر علاوۀ این اقساط محاسبه میگردد , و چون زکات دارائي نقدی یک وجیبۀ دینی سالانه است اقساط یک سال از استحقاق زکات خارج شده و در

حج /
متباقی دارائی اضافی در صورت رسیدن به نصاب و گذشتن یک سال زکات میدهد .
به ارتباط حج شخص مدیون به قرضه خانه می تواند اقساط مربوط به مدت رفت و آمد سفر حج و تنظیم امور مالی و اقتصادی خود را قبل از تأمین زاد وراحلهٔ حج ضم احتیاجات اصلی و ضرورت های اقتصادی خود بسازد , وهر گاه بر علاوهٔ آن, زاد و راحله (مصارف حج) میسر گردد و سفر حج موجب تأخیر اقساط و اخلال ضرورت های اقتصادی در همان مدت حج و در خلال همان سال معین نگردد , شخص می تواند فریضه حج را ادا نماید و چنانکه در مورد زکات گفته شد تادیهٔ این اقساط نباید تا مدت سی سال یا کمتر و زیادتر مانع سفر و وجائب دینی و مدنی شخص گردد .

2 ــ از پول کمکی که ماهانه شخص می گیرد حج می تواند ؟
پول کمکی که به صورت ماهانه مطابق قوانین توزیع میگردد مانند معاش تقاعدی و برخی از امتیازات مادی , از قبیل (کمک از مؤسسات اجتماعی دولتی) بعد از قبض آن توسط شخص در ملکیت او داخل می شود و مالک صلاحیت تصرف کامل را در آن میابد (در صورتیکه کمک مشروع و مطابق استحقاق بدست آمده باشد و مال حرام گفته نشود) , اگر این مبلغ متناسب به احتیاجات اساسی شخص وفامیل او باشد و فقط زندگانی اقتصادی او را تکافو نماید در آنصورت نه زکات و نه حج هیچکدام بروی فرض نیست , اما اگر این مبلغ با عوائد دیگری که شخص از طریق کار و غیره دارد از سطح ضرورت و احتیاج اصلی و فامیلی او اضافه تر گردد , در صورتیکه مبلغ اضافی به نصاب زکات برسد و یکسال برآن بگذرد ویا مبلغ اضافی زائد از احتیاج , زاد و راحلهٔ حج را به آسانی تأمین نماید در اینصورت هم زکات و هم حج لازم میگردد .

3 ــ شخصی که یک مقدار پول دارد و کار کرده نمیتواند و از پول خود حاصل نمی گیرد , زکات بدهد یا خیر ؟

شخصی که یک اندازه پول دارد (البته باید حلال باشد چه در پول حرام زکات نیست) در حالیکه در شرائط زکات خصوصیت افزایش اموال در نظر گرفته شده و اگر مال قابلیت افزایش را داشته باشد و لوکه عملا افزودی نیابد شامل اموال زکات میگردد , امامقدار پول باید دیده شود که بچه اندازه است . آیا در سطح تکافوی زندگانی اقتصادی یکساله شخص و فامیل او است یا بالاتر از آن , هر گاه در حدود ضروریات و احتیاجات یکساله باشد و بالاتر از آن تا حد نصاب اضافه نگردد , در آنصورت زکات واجب نمیشود , اما این مقدار پول بحدی باشد که تمام ضرورت یکساله را تکافو کند و مقدار اضافی به نصاب زکات برسد و یکسال هم بدون احتیاج برآن بگذرد , در آنصورت زکات لازم می گردد .

و الله أعلم و هو المستعان

یا داشت: از آنجا که این مطالعات فقهی در چوکات فقه وقائع معاصر , در روشنی قواعد و اهداف فقهی اسلامی صورت می گیرد و مثال های این وقائع معاصر در ذخائر فقهی گذشته ذکر نشده است, امید که دانشمندان و مجامع فقهی تحقیقات بیشتر نمایند و احکام روشنی در مسائل معاصر صادر گردد .

و من الله التوفیق
عبدالستار سیرت

دکتور یوسف القرضاوی

پیشنهاد تأسیس صندوق حج تطوع(نفل)

الحمد لله و الصلاة و السلام علی رسول الله و علی آله و صحبه و من ولاه ، و بعد

عالم که اولویات اسلام را میداند آنچه در اول است آنرا در اول و آنچه در آخر باشد آنرا در جایش می گذارد و موضوعات را بیک سویه و درجه قرار نمیدهد . من سالها قبل « فقه اولویات» را معرفی کردم . بالای ما واجب است تا بدانیم که اسلام مکلفیت ها را که واجب ساخته بیک درجه قرار نداده است و هر عمل مراتب خود را دارد . رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در حدیث مبارک فرموده اند : « الإیمان بضع و سبعون شعبة ، اعلاها : لا إله إلا الله ، و أدناها إماطة الأذی عن الطریق » ایمان هفتاد و چند شعبه است که اول آن کلمۀ لا إله إلا الله و آخر آن برچیدن چیزی که سبب اذیت مردم شود از راه یا طریق. از حدیث مبارک می آموزیم که در تمام امور اعلی و وسط و ادنی است و امور و اشیاء با هم مساوی نمی باشد و مسلمانان باید فقه اسلام را خوب درک کنند و بدانند .

علماء می فرمایند : خداوند نفل را قبول نمیکند تا انسان فرض را بجا نه آورد . ما احتیاج داریم که این نوع فقه را بدانیم. حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه که امام الغزالی در کتاب خود بنام « الإحیاء » از او نقل میکند می فرماید: « در آخر زمان رفتن به حج بدون سبب زیاد می شود ، سفر آسان و اقتصاد خوب می شود یعنی پول زیاد می شود و مردم به حج می روند درحالیکه همسایه اش محتاج میباشد».

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می فرمایند: « لیس منا » و در روایت دیگر « لیس بمؤمن من بات شعبان و جاره إلی جنبه جائع » . از ما نیست و در روایت دیگر مؤمن نیست کسیکه سیر بخوابد و همسایه اش گرسنه باشد .

پس چطور ممکن است انسان برای حج سفر کند و همسایه اش در فقر و احتیاج و مشکلات زندگی باشد .

اگر مسلمانان فقه را بدانند و علم به مقاصد شریعت داشته باشند و بدانند که سیر کردن گرسنه و علاج مریض و پناه دادن بی خانه و سرپرستی یتیم و کمک بیوه زنان و بناء مدارس و شفاخانه و تأسیس انجمن های خیریه نزد خداوند بهتر و با فضیلت تر است از عمره و حج تطوع و نفل. مشکلات مسلمانان در فهم فقه اولویات است.

سالانه ملیون ها دالر را مسلمانان در رفتن حج تطوع و عمره به مصرف می رسانند و اگر این مبالغ دریک صندوق جمع شود مشکلات مسلمانان حل می گردد و ثواب این کار زیادتر از حج تطوع است.

تأسیس صندوق حج نفل افغانی

هموطنان عزیز و گرامی:

با استفاده از نظریات فضلیت مآب دکتور یوسف القرضاوی ما افغانها که مشکلات زیاد در داخل افغانستان و خارج آن داریم در مورد تأسیس صندوق حج تطوع فکر نمائیم. مساجد افغانی و انجمن های خیریه مشترکا می توانند این صندوق را تأسیس نمایند .

انجمن فقه اسلامی و انجمن دعوت اسلامی افغانان مقیم امریکا حاضر و آماده است تا با همکاری مساجد افغانی در امریکا و اروپا و کانادا و انجمن های خیریه برای تأسیس صندوق همکاری نماید .

امید است هموطنان عزیز و ادارۀ مساجد و بورد های انجمن های خیریه نظریات خود را به آدرس فقه اسلامی بفرستند .

فضل غنی مجددی

عقل در قرآن کریم

در قرآن کریم عقل بصیغهٔ مباشر ذکر نگردیده اما به صیغهٔ های متعدد مانند: عقلوه ، تعقلون ، یعقلون ، تعقل ، یعقلها آمده و در مجموع تقریبا در پنجاه موقع درقرآن کریم به معانی « تمیز » شناخت بین حق و باطل و ضرورت ادراک حق و باطل از طریق تفکر به کائنات ذکرگردیده است مثل « کذلک یبین الله لکم آیاته لعلکم تعقلون» (البقرة: 242). همچنان خداوند آیات { احکام} خود را بشما بیان میکند تا باشدکه شما بفهمید.قرآن کریم عقل را بصورت عادی و بی مفهوم ذکر نمی کند و در تمام سوره ها قرآن کریم عقل را با تکریم ومقام عظیم یاد میکند و عمل کرد با عقل را قرآن کریم بالای مسلمانان واجب می سازد . در مسائل امر و نهی قرآن کریم مسلمانان را امر می نماید تا حاکمیت عقل را بپذیرند و در همچو مسائل عقل را نادیده نگیرند. عقل که قرآن کریم آنرا مخاطب می سازد عقل روشن ، عقل متفکر ، عقل صادق ، عقل مدرک و عقلی که در جمیع امور دقت وتأمل دارد نه عقل های مریض و ناتوان و غیر مدرک به امور دین و دنیا . از منظور و دید قرآن کریم عقل سالم و مدرک عقلی است که معانی دین و دنیا را درک و در مسائل دنیوی و دینی حکم صحیح می کند .

درصدها آیهٔ از آیات قرآن کریم لفظ یا کلمهٔ « عقل» و الفاظ و کلماتی که ارتباط به عقل دارد مثل فقه ، علم و تفکر ذکر یافته است .

1. عقل و مشتقات آن « عقلوه ، تعقلون ، تعقل و غیره » 48 بار ذکر یافته است.
2. علم و مشتقات آن « علم ، یعلم ، یعلمون و غیره » 866 بار ذکر یافته است.
3. فقه و مشتقات آن « تفقهون ، تفقه ، یفقهوا ، یفقهوه و غیره» 20 بار ذکر یافته است.
4. فکر و مشتقات آن « فکر ، تتفکروا ، یتفکرون تا آخر» 18 بار ذکر یافته است.
5. قرأ و مشتقات آن « قرأ ، اقرأ ، قرآن تا آخر» 87 بار ذکر یافته است.
6. وعی و مشتقات آن « تعیها ، أوعی ، واعیة تا آخر» 4 بار ذکر یافته است.

مجموعا در قرآن کریم 40 هزارلفظ ذکر شده که همه در دائره ای عقل و نظر و تفکر است و این خود نمونهٔ از تقدیر واحترام قرآن کریم از عقل است . (عباس محمود العقاد « التفکیر فریضة إسلامیة» و عبدالمنعم خلاف « العقل المؤمن» ، ص 128 ، و دکتور جابر قمیحه « مقام العقل فی القرآن الکریم » ، www.alukah.net/culture/0/71119).

ابن رشد می گوید: قرآن کریم همه اش دعوت به دیدن و نظر کردن و تعقل و تفکر است و قرآن کریم مردم را به استعمال عقل به صیغهٔ تعقل و تفقه و تفکر و تصبر و تذکر دعوت به معرفت و علم می نماید. وظیفهٔ عقل از منظور و دید قرآن کریم کشف مجهول و رسیدن به حقیقت و استفاده از آن برای خدمت جامعهٔ انسانی است. (صلاح الدین المنجد « الإسلام و العقل» بیروت ، دار الکتاب الجدید ، 1967 ، صفحات 17 - 20) و همچنان إسلامیة المعرفة ، 2003 ، ص 363).

اگر به آیات « تعقل» در قرآن کریم تأمل و دقت بیشتر شود ملاحظ میشود تعقل در 49 آیه به صیغهٔ فعل و بصورت جمع آمده است مثل: عقلوه ، نعقل ، تعقلون ، یعقلون ، یعقلها و در یک آیه بصیغه مفرد آمده واما فاعل آن بصورت جمع است بطور مثال .

1. « یسمعون کلام الله ثم یحرفونه من بعد ما عقلوه » (البقرة : 75) . کلام خداوند را می شنیدند سپس آنرا تحریف می نمودند بعد از آنکه فهمیده بودند و ایشان می دانند .
2. « کذلک یبین الله لکم آیاته لعلکم تعقلون » (البقرة : 242) . همچنان خداوند آیات {احکام} خود را بشما بیان می کند تا باشدکه شما بفهمید .
3. « إنا أنزلناه قرآنا عربیا لعلکم تعقلون» (یوسف: 2) . ما آن را قرآنی عربی نازل کردیم ، باشدکه بیندیشید .
4. « أف لکم و لما تعبدون من دون الله أفلا تعقلون » (الأنبیاء : 67) . اف بر شما و بر آنچه غیر از خدا می پرستید . مگر نمی اندیشید ؟
5. « و تلک الأمثال نضربها للناس و ما یعقلها إلا العالمون » (العنکبوت : 43) . واین مثالها را

برای مردم می زنیم و {لی} جز دانشوران آنها را در نیابند.

6. « و النجوم مسخرات بأمره إن فی ذلک لآیات لقوم یعقلون » (النحل : 12) . و ستارگان مسخر اند به فرمان وی هر آیئنه درین نشانه هاست گروهی را که در می یابند .

7. « کذلک نفصل الآیات لقوم یعقلون » (الروم: 28) . همچنان بیان می کنیم نشانها برای قومی که می فهمند .

8. « إن الذین ینادونک من وراء الحجرات أکثرهم لا یعقلون » (الحجرات : 4) . هر آئینه آنانکه آواز میدهند ترا از پس حجر ها اکثر ایشان نمی فهمند .

عقل و مشتقات آن در قرآن کریم بصیغۀ « فعل » و « جمع » آمده است . صیغۀ فعلی و جمع از عقل در قرآن کریم از مسلمانان می خواهد تا قدری در مورد آن تفکر و دقت بیشتر نمایند . در این قسمت برای جهت معرفت بیشتر به صیغۀ جمع و فعل در ذکر عقل در قرآن کریم به نقاط ذیل توجه فرماید:

1. صیغۀ فعلی نشانه آن است که عقل جوهر و قائم بذات خود نیست مثلیکه علمای قدیم تصور و فکر می کردند . اسم دلالت به یک امر و شئ ثابت میکند در حالیکه تعقل عملیه فعل است و فعل ثابت نیست و همیشه قابل تغیر و تجدید است عدم تجدید در فعل تعقل فرهنگ و ثقافت را به فساد می کشاند .

2. عقل عمل فعل است نه اسم ، خداوند سبحانه خود را به (عقل) وصف نکرده است بلکه به (العلیم) وصف نموده است زیرا تعقل صفت متغیر را دارد یعنی قابل تغیر است ، ممکن است انسان در یک مسأله تعقل کند و انسان دیگر در همان مسأله تعقل دیگر نماید اما العالم و العلیم معنی ثابت را افاده میکند .

3. فعل تعقل در تمام آیات به صیغۀ جمع آمده مثل: عقلوه ، نعقل ، یعقلون ، تعقلون و فقط در یک آیۀ به صیغه مفرد آمده اما فاعل آن به صیغۀ جمع آمده است ، ما یعقلها إلا العالمون . ذکر عقل به صیغۀ جمع این معنی را افاده میکندکه انسان ها بصورت و بشکل دستجمعی تفکر و تعقل نمایند و در فرهنگ و ثقافت اسلام تعقل انفرادی با اینکه یک عمل خوب است لیکن قابل تأیید نیست به دلیل اینکه تعقل انفرادی و یا فردی یک عمل شخصی بوده قدرت تغیر را در جامعه ندارد و تعقل دستجمعی می تواند ثقافت و فرهنگ نا معقول را به ثقافت و فرهنگ معقول تبدیل نماید .

4. آیات تعقل موضوعات زیاد را در بر دارد که مهمترین آن ایمان به وحدانیت الله و تعقل در انفس و آفاق و آنچه تعلق به زندگی انسان دارد . « سنریهم آیاتنا فی الآفاق و فی أنفسهم » (فصلت: 53) . خواهیم نشان داد ایشان را نشانه های خود را در اطراف عالم و در نفس های ایشان . ذکر آفاق و انفس در قرآن کر یم از مسلمانان میخواهد تا در علوم مربوط به آفاق یعنی علوم طبیعی تعقل نمایند و ذکر انفس دعوت از مسلمانان است تا در علوم مربوط به انسان یعنی علوم اجتماعیات و جامعه شناسی تفکر و تعقل نمایند .

5. قرآن کریم منهج و روش آزادی تعقل را در عدم متابعت تقلید کورکورانه ازاجداد و گذشتگان می داند . در قرآن می خوانیم : « وإذا قیل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا نتبع ما ألفینا علیه آباءنا أولو کان آباؤهم لا یعقلون شیئا و لا یهتدون » (البقرة: 170) . و چون به ایشان گفته شود : آنچه را خداوند نازل فرموده است پیروی کنید گویند بلکه پیروی کنیم آنچه را که پدران خود را بر آن یافته ایم ، آیا {بایست آنها تابع پدران باشند ؟} در حالیکه پدران شان چیزی را نمی فهمیدند و نه راه راست { به سوی ایمان و هدایت } یافته بودند . همچنان قرآن کریم در مسائل عقلی ، مسلمانان را از سوء ظن یعنی گمان بد و متابعت هوی و نفس منع میکند. سوء ظن و متابعت هوی و نفس عقلیت انسان را از راه

خیرو مستقیم منحرف می سازد و انسان در متابعت از نفس و هوی قدرت تفکر عقلانی را از دست می دهد .

ذکر مترادفات عقل درقرآن کریم معنی آن تکرار مفاهیم و اصطلاحات نیست بلکه دلیل أهمیت عقل از منظور اسلام است . مهمترین مترادف عقل در قرآن کریم فعل فقه است . فقه و مشتقات آن در قرآن کریم به صیغۀ فعل و بصورت جمع در بیست آیۀ مانند عقل آمده است . صیغۀ فعل فقه که در قرآن کریم ذکر شده عبارت است نفقه ، تفقهون ، یفقهون ، یفقهوه ، یتفقهوا . تفقه در قرآن کریم دلالت به « تعقل» میکند و همچنان به صیغۀ فعل و جمع معنی آن این استکه تفقه نیز مانندعقل یک عملیه فعلی غیرثابت است و بصیغۀ جمع معنی آن این استکه باید همه مسلمانان از دانش بصورت دستجمعی استفاده نمایند .

فکر ارتباط مستقیم با عقل دارد و کلمۀ فکر و مشتقات آن در قرآن کریم بصیغۀ فعل و جمع مانند عقل و فقه آمده است. فکر نیز مانند عقل و فقه قابل تغیر است و بصفت جمع معنی آن این استکه همه مسلمانان در امور دین و دنیا آفاق و انفس مشترکا فکر کنند . (الدکتور نبیل علقم «الثقافة العربية و التجديد الإسلامي » ، صفحات 362-363 ، و همچنان : فاطمه إسماعيل محمد إسماعيل « القرآن و النظر العقلی » ، فريجنيا ، امريكا ، المعهد العالمي للفكر الإسلامي 1993 ، ص 175).

عقل در قرآن کریم همچنان به معنی و مترادف علم و معرفت و فهم و وسیلۀ فرق بین خیر وشر استعمال شده است . دکتور صلاح الدین المنجد در مورد استعمال عقل در قرآن کریم می نویسد: وظیفه عقل کشف مجهول و فهم آن به هدف خدمت برای انسان است. (صلاح الدين المنجد « الإسلام و العقل » طبع 2 (بيروت ، دار الكتاب الجديد ، 1976 ، صفحات 17 – 20) . راجع به کتب و تحقیقات استاد المنجد مراجعه فرماید به(and : htt://www.ahlalhdeeth.com, and: seach.tb.ask.com http://www.startimes.com و جهت مطالعۀ کتاب الإسلام و العقل و نام مؤلف را تایپ فرماید .).

از دیدگاه قرآن کریم عقل و اندیشه نعمت بزرگ است که خداوند به انسان عطاء نموده است . قرآن کریم آنانیکه تعقل و تفکر نمی کنند ایشان را پائین تر از چهارپایان میداند. عقل ازدیدگاه قرآن و احادیث عقل حسابگر و منطق ارسطوئی نیست . عقل حسابگر و منطق ارسطوئی هر چند می توانند ابزاری برای عقل باشد ، اما تمام عقل نیست از این رو در قرآن تذکر شده است که اکثریت مردم اهل تعقل نیستند ، یا از عقل استفاده نمی کنند .

بر این اساس باید توجه داشت که تعقل در قرآن به معنای عقل مصطلح یا اصطلاحی نبوده و در هر جا که قرآن به تفکر و نگرشی جدید در راستای بندگی بیشتر و رهایی از بند ظلمت و تاریکی نفس ، دعوت کرده است ، می تواند نشانه ای از تعقل و تفکر باشد . با این دیدگاه جایگاه تعقل و تفکرتا بدان حد بالا و والا است که خداوند در قرآن حتی در یک آیه نیز بندگان خود را امر به نفهمیدن یا راهی را کورکورانه پیمودن نکرده است . (316) (www.islamquest.net/fa/archive/question/id21731).

{ جهت مطالعۀ بیشتر به : فضل غنی مجددی « روش فکر معاصر اسلامی » مراجعه فرماید .}

روش فکر معاصر اسلامی

تألیف : فضل غنی مجددی

جلد اول

روش فکر معاصر اسلامی تحقیق کاملا جدید و برای اولین بار بزبان دری به طبع میرسد . این کتاب که در 510 صفحه میباشد مشکلات فکری معاصر مسلمانان را بحث میکند . در آغاز مطالعات شرق شناسی و شرق شناسان بحث شده تا هموطنان عزیز از نقش غرب در تغیر روش فکر معاصر مسلمانان معلومات ابتدائی داشته باشند.تأثیرات فکر غرب ، روش فکری و نظام سیاسی و ادبی مسلمانان را فوق العاده متأثر ساخته است و تأثیرات فکرغرب عامل خارجی در انحرافات فکری و عقب گرائی مسلمانان میباشد .

حرکت های اصلاحی و مقاومت فکر استعمار غرب موضوع دیگر این بحث است. در قسمت سوم فکر اسلامی و مدارس فکری اسلامی بحث شده است . درقسمت چهارم فکر معاصر اسلامی در مسائل سیاسی بحث گردیده و مهمترین موضوع دراین قسمت عبارت است از : فقه سیاسی ، فقه اطاعت و فقه متغلب. قسمت پنجم حقوق انسان در روش فکر معاصر اسلامی را به بحث می گیرد . قسمت هفتم آزادی رأی ، مطبوعات، عقل ، فکر و عتقاد و دین را بحث می نماید و قسمت هشتم تحت عنوان زن در روش فکر معاصر اسلامی است.

تغیر فرهنگ و ثقافت اسلامی به فرهنگ و ثقافت نا معقول و رسیدن مسلمانان ازمعقولیت فکری و فرهنگی و کلتوری به نا معقولیت مهمترین موضوع دراین تحقیق میباشد .

مطالعۀ این کتاب برای جوانان افغانستان یک ضرورت است . قیمت کتاب 25 دالر و مصارف پستی داخل امریکا 6 دالر و برای خارج امریکا 32 دالر میباشد. و قیمت پستی برای هر دو کتاب یک اندازه است.

عصر نبوت و خلافت راشده

(1 ـــ 40 هجری)

تألیف : فضل غنی مجددی

تحقیق جدید در 425 صفحه به روش معاصر از طرف انجمن نشرات فقه اسلامی بخدمت هموطنان گرامی تقدیم میشود . ضرورت دولت درفرهنگ اسلام و بحث روی اینکه آیا دولت مقدم است یا دعوت قسمت اول این تحقیق میباشد . حاکمیت خداوند در کائنات و تفاوت بین حاکمیت و حکومت و حکمیت قسمت دوم این تحقیق است . مهمترین موضوع بحث در این تحقیق مسأله قبول حکمیت از طرف حضرت علی کرم الله وجهه است و تحقیقات جدید به اثبات میرساند که حکمیت به مضمون و شکلی که در کتب تاریخ آمده صحت ندارد. دراین تحقیق سیاست خلفای راشدین و برنامه های اجتماعی و اقتصادی دولت اسلامی بحث و عوامل شهادت حضرت عمر و عثمان و علی رضی الله عنهم و دستهای عقب پرده ونقش استخبارات خارجی در شهادت خلفای راشدین و زعمای سیاسی دولت اسلامی برای اولین بار توضیح داده می شود .

قیمت کتاب 25 **دالر** و قیمت پست برای داخل امریکا شش دالر میباشد و مصارف پست برای اروپا 32 دالر است و نظر به قیمت مصارف پستی از فرستادن کتاب به اروپا صرف نظر میشود . کتاب را از آدرس فقه اسلامی که در پائین است میتوانید دریافت نماید .

فرهنگ و ثقافت اسلامی

(ویپ سایت فقه اسلامی)

www.Islaminfo.one

بعد از ماه آینده هموطنان عزیز ما در افغانستان و کانادا و استرالیا و تمام کشور های اروپائی میتوانند فقه اسلامی را مستقیما از سایت فرهنگ و ثقافت اسلامی بدست آورند .

ادامۀ نشرات اسلامی ضرورت به کمک مادی و معنوی شما خواهران و برادران دارد و امید است مثل گذشته به کمک های خود ادامه بدهید تا انجمن فقه اسلامی بهترین خدمت را برای ارتقاء فرهنگ و ثقافت اسلامی کرده بتواند . در اخیر از دعای خیر فراموش نسازید .

آدرس فقه اسلامی

Mogaddedi Fazl Ghani
201 Washington Blvd # 104
Fremont , ca 94539
U.S.A
Tel (510) 979 - 9489
fazlghanimogaddedi@yahoo.com
islaminfo.one